

رویکرد جرم‌شناختی به خشونت در ورزش*

(بحثی در زمینه جرم‌شناسی عملیات ورزشی)

نوشتهٔ پروفسور ژان - ایولاسال
ترجمهٔ دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی

مقدمه

عنوان سخنرانی، «رویکرد جرم‌شناختی به خشونت در ورزش» یا «مطالعه خشونت در ورزش از نظر جرم‌شناسی» است. در مقدمه یادآوری نکاتی چند لازم به نظر می‌رسد: به طور کلی پدیده‌های اجتماعی از دو زاویه قابل بررسی است: از نظر حقوقی و از نظر جرم‌شناسی. بحث خشونت نیز از این دو جنبه قابل بررسی است.

خشونت در ورزش را از نظر حقوقی در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی بررسی کردیم، و اما جنبه جرم‌شناختی خشونت در ورزش را امروز خواهیم گفت. این بحث از نظر حقوقی، ما را به مطالعه قواعد، مقررات و قوانین، رویه قضایی و دیدگاه‌های دانشمندان حقوق هدایت

* این مقاله، مکتوب سخنرانی Jean-Yves LASSALLE، استاد دانشگاه اکس - مارس ۳ و مدیر مؤسسه جرم‌شناسی اکس - آن - پرووانس، در روز پنج‌شنبه ۲۶ آبان ۱۳۷۶ در دانشگاه مفید (قم) می‌باشد. این متن در دانشگاه مفید از نوار پیاده گردیده و نگارنده این سطور آن را به شکلی که ملاحظه می‌شود ویرایش و تنظیم کرده است. م.

می‌کند. در خصوص خشونت در عملیات ورزشی، امروزه، می‌توانیم بگوییم، با توجه به رویه قضایی موجود در زمینه ورزش، در فرانسه رشته فنی و جدیدی به وجود آمده است به نام «حقوق جزای ورزش» یا «حقوق کیفری ورزش» که خاص ورزش و عملیات ورزشی است. در چارچوب حقوق جزای ورزش، ابتدا خشونت هواداران تیمهای ورزشی و تماشاگران مسابقات ورزشی و سپس خشونتی که احتمالاً بین ورزشکاران به هنگام بازی در میدان یا بعد از بازی ممکن است اتفاق بیافتد و نیز مطالعه پدیده دوپینگ و مواد نیروزا - یعنی مواد و پدیده‌ای که سبب شده است اصولاً ورزش سلامت و پاکی سابقش را از دست بدهد - مورد توجه قرار می‌گیرد. خیلی از برد و باختها هم به خاطر امکان استفاده از همین مواد نیروزا با تردید تلقی می‌شود. بنابراین چه ارتکاب خشونت در ورزش و چه ارتکاب تقلب در ورزش و عملیات ورزشی، موضوع حقوق خاصی را تشکیل می‌دهد به نام حقوق کیفری یا حقوق جزای ورزش.

به حقوق جزای ورزش، رشته دیگری را باید اضافه کنیم و آن «حقوق انضباطی ورزش» است. حقوق جزای ورزش را دولت، قوه مقننه و دادگستری - یعنی قوانین و مقررات و رویه قضایی و نظریه دانشمندان حقوق مشخص و تعیین می‌کنند، اما حقوق انضباطی ورزش را نهادهای غیردولتی، نهادهای صنفی مثل فدراسیونها، باشگاهها و تیمها و به هر حال مجموعه «جامعه مدنی» تعیین می‌کند، یعنی مراجعی غیر از دستگاههای عمومی؛ مثلاً تعقیب و مجازات پدیده دوپینگ، امروزه در چارچوب حقوق انضباطی ورزش مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و دامنه حقوق جزا هنوز به دوپینگ یا مواد نیروزا تسری داده نشده است. بنابراین در خصوص پدیده

دوینگ، فدراسیون‌هایی هستند که به نوبه خود مقرراتی را وضع می‌کنند، آیین‌نامه‌های انضباطی را تنظیم می‌نمایند و به اصطلاح، متخلف را از نظر انضباطی تعقیب و تنبیه می‌کنند. این پدیده، «جرم کیفری» نیست، بلکه یک «جرم انضباطی» و تخلف «صنفي» است. بنابراین مقامات فدراسیونها و کمیته‌های انضباطی مربوط به آنها، در چارچوب حقوق انضباطی ورزش به متخلفان از این مقررات رسیدگی می‌کنند. بنابراین بحث خشونت ممکن است در چارچوب حقوق انضباطی ورزش نیز مورد مطالعه قرار بگیرد. پس خشونت در ورزش، هم در حقوق جزای ورزش دارای قوانین و مقررات هست و هم در حقوق انضباطی ورزش دارای مقررات و آیین‌نامه‌های خاص خود می‌باشد. بدین ترتیب، این امکان وجود دارد فردی که مرتکب خشونت در ورزش شده هم از نظر انضباطی تحت تعقیب قرار بگیرد و هم از نظر کیفری مورد پیگرد واقع شده و مجازات بشود. به عبارت دیگر، در این صورت، ضمانت اجرای کیفری (حقوق جزا) و ضمانت اجرای انضباطی یا مجازات انضباطی (حقوق انضباطی) با هم جمع می‌شوند.

این خلاصه‌ای بود راجع به حقوق جزای ورزش که رویکرد حقوقی به خشونت در ورزش محسوب می‌شود. بدین‌سان، در بحث مقدماتی موضوعاتی که به اصطلاح به‌طور غیرمستقیم با بحث امروز مرتبط می‌شود را به‌صورت چکیده یادآوری می‌کنیم، اما وارد تفسیر و تفصیل آن نخواهیم شد تا بتوانیم موضوع مورد بحث را روشن‌تر و مشخص‌تر بررسی کنیم.

از نظر جرم‌شناسی، در چارچوب ورزش، باز به نوبه خود دو پدیده وجود دارد که باید به آن اشاره کنیم. یکی خشونت و دیگری تقلب، که امکان دارد به‌عنوان جرم کیفری یا یک تخلف انضباطی به وقوع بپیوندد.

چون ماهیت ورزش بُرد و باخت است، پس این امکان زیاد است که ورزشکاران یا صاحبان تیمها برای بُرد همواره وسوسه بشوند و بدین منظور متوسل به خشونت یا مرتکب تقلب گردند. بدین ترتیب ورزش، هم با خشونت و هم با تقلب عجین می‌شود. من خودم، به‌عنوان سرگرمی، در اوقات فراغت فوتبال بازی می‌کنم، به این جهت می‌توانم بگویم که در شهر و منطقه ما، حتی در بازیهای دوستانه، نیز تقلب وجود دارد، و بدین ترتیب است که آن تصویر و بازنمایی تربیتی و پرورشی ورزش تاریخ می‌شود، و ورزش که اصولاً جنبه بازپروری و پرورشی برای انسان دارد، تبدیل به یک نوع انحراف و جرم می‌شود. من مطمئنم که در خیلی از مسابقات حتی بین‌المللی، بسیاری از بازی‌ها در چارچوب «ساخت و پاخت» با داور یا بین تیمها صورت گرفته، بدون این که این تخلفها کشف و شناسایی شوند. این انحرافات حتی در بازیهای رسمی هم وجود دارد، ولی موارد کشف آن خیلی کم است (رقم سیاه). در کنار تقلب یا نیرنگ و خدعه در مسابقات و بازی‌های ورزشی، خشونت نیز در ورزش وجود دارد و آن موضوع بحث امروز را در اینجا تشکیل می‌دهد. بدین سان می‌رسیم به بحث‌مان و آن خشونت در ورزش، از نظر جرم‌شناسی است.

در این چارچوب خشونت را به‌عنوان یک پدیده روانی - اجتماعی بررسی می‌کنیم. خشونت در ورزش به‌عنوان یک واقعیت انسانی و ملموس، نه به‌عنوان یک پدیده مجرد و انتزاعی حقوقی، مورد توجه ما قرار می‌گیرد. امروز در این چارچوب طی دو بخش ابتدا به «خشونت هواداران ورزش یا تماشاچیان بازی‌های ورزشی» و سپس در بخش دوم به «خشونت که ورزشکاران بین خود مرتکب می‌شوند» می‌پردازیم.

گفتار نخست

خشونت هواداران و تماشاگران ورزش

در قسمت اول گفتار نخست سعی می‌کنیم بینیم ماهیت این پدیده، یعنی خشونت هواداران ورزش چیست؟ و سپس در قسمت دوم از گفتار نخست به واکنش‌های مقامات جامعه نسبت به این نوع خشونت اشاره خواهیم کرد.

درخصوص شناخت پدیده خشونت هواداران ورزش یا تماشاچیان مسابقات ورزشی، ابتدا بایستی این پدیده را توصیف کنیم و سپس چرایی آن را تبیین کنیم. یعنی علت یا عامل وقوع این پدیده را بررسی کنیم. بنابراین توصیف خود پدیده و سپس تبیین آن است که توجه ما را به خود جلب خواهد کرد. حال باید ببینیم که حجم و میزان این خشونت از نظر کمی چه اندازه است؟

در پاسخ باید گفت که حجم خشونت تماشاگران محدود است، ولی آثارش خیلی زیاد است. در چارچوب ورزش فوتبال، در مسابقات حتی بین‌المللی سال‌های اخیر، تعداد افرادی که در خشونت‌های ورزشی کشته یا مجروح یا مضروب شدند نسبتاً زیاد است؛ حدوداً هزار کشته و پنج هزار مجروح.^۱ این آمار مربوط می‌شود به ورزشهایی مثل فوتبال در این دو سه دهه اخیر، اما ارقامی که ارایه کردم، بیشتر ناشی از یک واقعه اتفاقی و ناگهانی بوده و مستقیماً مرتبط با خشونت تماشاگران نبوده است، بلکه یک

۱. یک تحقیق شورای اروپا در سال ۱۹۸۵ نشان می‌دهد که به مناسبت انجام مسابقه‌های فوتبال در سطح اروپا، تعداد ۹۵۲ نفر کشته و ۴۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند.

واقعۀ به صورت تصادفی در استادیوم ورزشی اتفاق افتاده و عده‌ای کشته شده‌اند، مثلاً در شهر باستیا در جزیره کُرس واقع در جنوب فرانسه، در سال ۱۹۹۲، مسابقه فوتبالی در ورزشگاه فوربانی برگزار شد که به لحاظ ازدحام جمعیت و کهنه بودن تأسیسات آن، جایگاه تماشاچیان یا تریبون تماشاچیان از هم فروپاشید و دهها کشته، معلول و زخمی به جا گذاشت. اگر این جرایم اتفاقی یا وقایعی که به صورت تصادفی اتفاق افتاده است را کنار بگذاریم، تعداد قتل‌هایی که در ارتباط با خشونت ارتكابی بین تماشاگران اتفاق افتاده خیلی اندک است. بنابراین خشونت تماشاگران از نظر تلفات جسمانی خیلی کم است. در همین ورزشگاه فوربانی، تماشاگران و هواداران فوتبال در واقع قربانی ساخت و ساز نامناسب جایگاه شدند.

از سوی دیگر، تماشاگران فوتبال و هواداران تیمها به همراه تیمهایشان به محل مسابقه عزیمت می‌کنند، یعنی بدین‌سان جابه‌جایی هواداران در قالب توده جمعیت به صورت گروهی اتفاق می‌افتد. هواداران ممکن است برای طرفداری از تیمهایشان حتی به کشور محل برگزاری مسابقه سفر کنند و بدین ترتیب، توده عظیمی از انسانها از یک محل به محل دیگر جابه‌جا می‌شوند، که این خود یک پدیده جدیدی است که از سالهای ۱۹۷۵ تقریباً در اروپا به یک پدیده همه‌گیر تبدیل شده است. در اروپا، پدیده خشونت هواداران فوتبال، ابتدا خاص انگلستان بود، ولی امروزه این پدیده تمام کشورهای اروپایی را فراگرفته است. خشونت هواداران، به حضورشان در خود ورزشگاه خلاصه نمی‌شود، بلکه خشونت ممکن است به صورت ضرب و جرح و یا تخریب اموال عمومی و یا ویرانگری (و اندالیسم) باشد که لزوماً به خود ورزشگاه خلاصه نمی‌شود، بلکه ممکن

است در خارج از ورزشگاه هم ادامه پیدا کند. مثلاً در همین جام جهانی اخیر که در سال ۱۹۹۸ در فرانسه برگزار شد، طرفداران تیم تونس و تیم انگلستان در شهر ماریسی، به یک «کتک کاری» مفصل با یکدیگر پرداختند و تقریباً نظم را به هم زدند. همچنین هواداران تیم آلمان یک ژاندارم فرانسوی را به مناسبت همین مسابقات ۱۹۹۸ شدیداً مجروح کردند. بنابراین پدیده خشونت هواداران ورزش و تیمها یک پدیده واقعی و ملموس بوده و در حال افزایش است.

در بلژیک نیز که پدیده خشونت هواداران فوتبال وجود دارد، جرم‌شناسان سعی کردند آن را از نزدیک و به صورت میدانی مطالعه کنند. براساس مطالعات میدانی جرم‌شناسان بلژیکی، هواداران فوتبال و هواداران تیمهای ورزشی خیلی سازمان یافته عمل می‌کنند. این سازمان یافتگی به شکل یک دایره است که در مرکز و لایه‌های مختلف آن، افراد مختلفی قرار دارند که وظایف مختلفی را انجام می‌دهند. در مرکز این دایره، رهبران آن گروه هوادار قرار دارند که معمولاً بیکار هستند و در شرایط عادی نیز رفتار غیراجتماعی یا حتی ضداجتماعی از خود نشان می‌دهند. این رهبران هستند که راجع به خط و مشی هواداران تصمیم می‌گیرند، در مورد برنامه‌هایشان مبنی بر این که باید به محل مسابقه بروند و در آنجا چکار کنند نظر می‌دهند. رهبران گروه هوادار از اعتبار و مقام خاصی در بین اعضای گروه طرفدار تیم مورد نظر خود برخوردار هستند که البته رهبر بودن آنها به خاطر هواداری و کارهایی است که کرده‌اند (اینسان در چارچوب فوتبال دارای سوابق تعقیب و محکومیت قضایی نیز هستند). حول این هسته اصلی و مرکزی که رهبران آن هواداران می‌باشند، حدود

پنجاه نفر دایره یا حلقه دیگری را تشکیل می‌دهند که در واقع، آن هسته اصلی را حمایت می‌کنند، این عده به‌هنگام برگزاری مسابقات تیم مورد علاقه‌شان حاضر هستند. حول این دو حلقه، هواداران دیگری وجود دارند که جدیداً به آن گروه پیوسته‌اند و جوان‌تر هستند و قدمشان در هواداری کمتر است، هواداران حلقه سوم آرزویشان این است که به حلقه دوم راه یابند، یعنی کم‌کم به هسته اصلی و رهبران آن گروه نزدیک شوند. در حاشیه گروه هوادار، افرادی وجود دارند که نوعاً نوجوان هستند و تعدادشان در نوسان است و حلقه سوم تلاش می‌کند به عنوان هواداران جدید آنان را جذب کند و بدین ترتیب در حلقه چهارم افرادی را برای هواداری از تیم مورد نظرشان استخدام نمایند. در واقع می‌توانیم بگوییم که نوعی گزینش وجود دارد. بنابراین همه کسانی که مایل هستند وارد هواداری آن تیم خاص بشوند ممکن است موفق نشوند، زیرا یک نوع گزینش و انتخاب وجود دارد، دست کم در اروپا. براساس مطالعاتی که به‌ویژه در بلژیک انجام شده است، به نظر می‌آید که سازمان و تشکیلات هواداران فوتبال به شکلی که گفتم باشد. حال که پدیده را توصیف کردیم باید ماهیتش را روشن نماییم، هم می‌توانیم تحلیل کنیم و هم می‌توانیم به صورت ترکیبی، چکیده آن را بررسی کنیم.

از نظر تحلیلی می‌خواهیم ببینیم آیا عوامل خاصی به پدیده خشونت هواداران دامن می‌زند یا علت خاصی دارد. در این خصوص مثل سایر پدیده‌های مجرمانه یا دست کم انحرافهای اجتماعی، علل شخصی و عوامل اجتماعی در وقوع و ارتکاب آن پدیده نقش دارند. در خصوص عوامل شخصی، ابتدا سن هواداران جلب توجه کرده است. آنها معمولاً بیست سال

دارند و از نظر جنسیت مذکر هستند. دختر تقریباً در میان آنان وجود ندارد و از نظر اجتماعی، این جوانها معمولاً از حومه‌های شهرهای بزرگ، از محیط‌های بی‌بضاعت و روی هم رفته از طبقات پایین جامعه هستند. نکته جالب دیگر این است که افراد، علاوه بر ورزش، در زمینه‌های دیگر هم به راحتی به خشونت متوسل می‌شوند، یعنی خشونتشان به ورزش و در ورزشگاه خلاصه نمی‌شود. برای کارهای دیگر به راحتی از خشونت استفاده می‌کنند. نکته دیگری که شاید بشود از بقیه ویژگی‌ها استنباط کرد این است که اینها نسبت به تیم یا گروه خودشان خیلی تعصب دارند، به عبارت دیگر «ملی‌گرا» یا «گروه‌گرای شدید» هستند. و حتی از آن هم بالاتر، در آن گروه مورد علاقه خود «ذوب» شده‌اند. بنابراین نمی‌توانند شکست تیم مورد علاقه‌شان را تحمل کنند و این امر برایشان بسیار سنگین است.

درخصوص عوامل اجتماعی ابتدا باید به محیط اشاره کرد. هواداران تیمهای فوتبال فرهنگ خودشان را دارند، کافی است که در جریان بازیهای بین‌المللی به جایگاه هواداران دقت و توجه شود. رفتار و فرهنگ هر گروه هوادار را می‌توان تشخیص داد. آنها برای تشخیص و تفکیک خود از دیگران، لباسهایی با رنگ خاص می‌پوشند، موسیقی خاصی را گوش می‌دهند، در حرف زدندان «زبان زرگری» خاص خود را دارند، که نسبت به گروه دیگر فرق می‌کند. نکته دیگری که به عنوان عامل اجتماعی در کشورهای غربی باید اضافه کنیم، حضور گرایش و ایدئولوژیهای نازیسم و افراطی دست راستی در پدیده هواداری است، مثلاً در ایتالیا وقتی تیم لازیو رُم مسابقه دارد، و در بین بازیکنانش ممکن است افراد رنگین پوست یا سیاه پوست وجود داشته باشند، این بازیکنان رنگین پوست بلافاصله پس از

ورود به میدان مورد دشنام و توهین نژادپرستانه قرار می‌گیرند. این واقعیت در پاریس هم وجود دارد، خاص رُم نیست. دیدگاه‌های نژادپرستانه در فوتبال و واکنش‌های مبتنی بر ایدئولوژیهای افراطی دست راستی نازیسم در فوتبال نفوذ کرده است. آنها در رفتار و حرکاتشان همان رفتار و حرکاتی را انجام می‌دهند که مثلاً رایش سوم و طرفداران نازی انجام می‌دادند، مثلاً نحوه سلام دادن و سلام کردنشان به صورت خاصی انجام می‌شود، اینها عیناً آن حرکات را بعد از گذشت پنجاه سال از جنگ دوم جهانی، انجام می‌دهند.

در کنار این عوامل محیطی، عوامل وضعی هم وجود دارند. از این منظر باید به این نکته اشاره کنیم که با پدیده توده و جمع سر و کار داریم. یعنی فرد در توده و جمع حل و جذب و «ذوب» شده است، یعنی از شخص فردزدایی می‌شود، اصطلاحاً وارد گروه می‌شود از خود بی خود می‌گردد، به طوری که خصوصیت گمنامی و بی‌نامی در آنجا حاکم می‌شود، مسؤلیت در گروه توزیع می‌شود و این احساس که مجازات دیگر در مورد آنها وجود ندارد و مصون از تعقیب هستند، در ذهنیت آنان به وجود می‌آید. نکته دیگر از نظر وضعی این است که این گروه‌ها الکل زیاد مصرف می‌کنند. مثلاً هواداران تیم فوتبال آلمان در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، هنگامی که به ژاندارم فرانسوی حمله نموده و او را مضروب کردند مست بودند. اینها عواملی هستند که در مطالعات جرم‌شناختی درخصوص خشونت در ورزش - لاقال در فوتبال - استخراج شده است.

از نظر ترکیبی و تحلیل باید گفت که خشونت در ورزش ویژگی خاص خود را دارد و باید از ویرانگری یا «تخریب رایگان» و بی‌هدف

اموال عمومی تفکیک شود. در جرم‌شناسی، همان‌طور که می‌دانید، پدیده بزهکاری توده‌ای، جمعی یا گروهی مطالعه شده است، با این هدف که آیا پدیده جمع شدن و جمع بودن در رفتار مجرمانه افراد تأثیر دارد؟ در مورد هواداران ورزش می‌توانیم بگوییم که نوعی سازمان‌یافتگی و تشکل روی هم‌رفته خوبی دارند. این سازمان‌یافتگی خشونت در ورزش به خود آن ورزشگاه و یا آن مجموعه ورزشی خلاصه و محدود نمی‌شود. جالب است که پدیده خشونت در ورزشهای جمعی، در مورد هواداران ورزش راگبی در اروپا وجود ندارد، یعنی هواداران تیمهای راگبی، حتی وقتی از یک منطقه به منطقه دیگر، به منظور هواداری و تشویق تیم خودشان می‌روند مرتکب تخریب و ویرانگری اموال عمومی نمی‌شوند. خشونتی که راجع به آن صحبت می‌کنیم عمدتاً به هواداران تیمهای فوتبال خلاصه می‌شود که در هنگام جابجایی و حرکت از یک منطقه به منطقه دیگر مرتکب خشونت‌های مختلف می‌گردند. حال در این مورد که چرا فوتبال مبتلا به این خشونت شده است باید گفت که فوتبال یک ورزش جهانی است، ورزشی است که طرفداران زیادی دارد و مناسبت‌های مسابقات فوتبال خیلی بیشتر از راگبی است؛ راگبی ممکن است به چند کشور خلاصه شود، ولی فوتبال همه‌گیر است و مسابقات آن ممکن است ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی باشد. بنابراین مناسبت‌های زیادی را برای تجمع افراد ایجاد می‌کند.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌کنیم که دست کم در اروپا پدیده خشونت هواداران ورزش یا فوتبال در عین حال نگران‌کننده شده است، به طوری که چه مقامات دولتی، چه مقامات فدراسیون‌های مربوط سعی کردند تدابیری را در جهت واکنش علیه آن اتخاذ کنند.

ابتدا در این واکنش علیه خشونت در ورزش، خود مقامات ورزشی سعی کردند موضوع را با اتخاذ تدابیر مناسب، حل کنند. نخستین تدابیری که مقامات ورزشی اتخاذ کردند را می‌توانیم زیر عنوان «پیشگیری وضعی» بررسی کنیم، یعنی اتخاذ تدابیری فنی یا تکنیکی، برای این که مثلاً جایگاه ورزشکاران، یک دفعه فرو نیفتد و از میان نرود، بنابراین دقت در ساخت ورزشگاه و محل نشستن و تجمع تماشاچیان یا تریبون‌های تماشاچیان بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته و می‌گیرد. جالب است که در این چارچوب، شورای اروپا در سال ۱۹۸۵ کنوانسیون خاصی را برای پیشگیری از این خشونت‌ها وضع کرده است (کنوانسیون راجع به خشونت و شورش تماشاچیان در میدان‌های ورزشی و به‌ویژه در مسابقات فوتبال).^۲ در چارچوب این کنوانسیون به دولت‌های عضو تأکید شده است که قبل از شروع هر مسابقه تدابیر خاصی را اتخاذ کنند. بدین ترتیب مسأله خشونت در ورزش حتی مورد توجه شورای اروپا هم قرار گرفته است، اما همان‌طور که می‌دانیم یکی از معایب پیشگیری وضعی این است که سبب جابجایی جرم و مجرم می‌شود، یعنی اگر مجرم نتواند در جای خاصی هدف خود را که جرم است انجام دهد، متوجه هدف و مکان دیگری می‌شود. بنابراین جرم جابجا می‌شود.

۲. این کنوانسیون به موجب قانون ۲۳ دسامبر ۱۹۸۶ مورد تصویب مجلس ملی فرانسه قرار گرفت. مفاد کنوانسیون تأکید دارد که به مناسبت هر مسابقه تعداد کافی نیروهای حافظ نظم در ورزشگاه، جاده‌ها و مکان‌های مجاور و محل‌های عبور تماشاچیان در نظر گرفته شود؛ هواداران دو تیم رقیب از هم جدا شده در جایگاه‌های جداگانه مستقر شوند؛ از ورود افراد مسن و نشسته مواد مخدر جلوگیری شود؛ از ورود الکل و فروش آن در اطراف ورزشگاه در روز مسابقه جلوگیری به عمل آید؛ بازدید بدنی تماشاچیان به منظور جلوگیری از ورود اسلحه و اشیاء خطرناک انجام شود؛ همکاری و هماهنگی بین باشگاه‌های ورزشی رقیب و نیروهای حافظ امنیت و نظم، ... به عمل می‌آید، ...

بدین ترتیب اگر در خود ورزشگاه اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از خشونت انجام گیرد، هواداران ممکن است این خشونت را در خارج از ورزشگاه انجام دهند. و این دقیقاً واقعه‌ای بود که در سال ۱۹۹۸ در شهر مارسی بین هواداران تیم تونس و تیم انگلستان اتفاق افتاد؛ مثال دیگر که در عین حال جالب و شاید هم یک مقدار خنده‌دار است، چیزی است که در سال ۱۹۹۳ در ایتالیا اتفاق افتاد. در ایستگاه قطار، هواداران دو تیم که با دو قطار مختلف به آن شهر وارد شده بودند، همدیگر را ملاقات کردند. جالب این که تیمهای هواداران موردنظر در آن روز مسابقه نداشتند و تنها به صورت اتفاقی ساعت ورود آنها با هم مصادف شده بود، لیکن همین که دو گروه هوادار همدیگر را دیدند، ایستگاه قطار تبدیل به صحنه کارزار و زد و خورد میان آنان شد. یعنی بدون این که دو تیم مورد علاقه آنها آن روز مسابقه‌ای با هم داشته باشند، با رؤیت رنگهای لباس و پرچم مربوط به دو باشگاه، حساسیتشان بالا گرفت و به خشونت علیه یکدیگر پرداختند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که مسأله مهار خشونت در ورزش از حوصله صرف مقامات ورزش و فدراسیونها خارج است، دولت و مقامات دولتی - عمومی نیز باید در مورد مهار آن اقدام کنند. دست کم در کشورهای غربی - اروپایی به محض این که مسابقات فوتبال برگزار می‌شود، شدیدترین و قوی‌ترین تدابیر پیشگیرانه وضعی اتخاذ می‌شود، هزینه زیادی صرف می‌شود برای این که بازی بدون اتفاق و حادثه برگزار شود. با این وجود، خشونت اتفاق می‌افتد، مگر این که یک مسابقه را بدون حضور تماشاچی برگزار کنند. بعضی از تیمهای ورزشی، مثلاً تیم المپیک

مارسی، برای جلوگیری از خشونت طرفدارانشان دست به یک سلسله اقداماتی از نوع پیشگیری اجتماعی زده‌اند.

سمی بر این است که بین تیم و هوادارانشان رابطه خیلی نزدیکی برقرار شود، به طوری که این تیم بتواند روی هواداران خود نفوذ داشته باشد و خشونت آنها را کنترل کند، حتی اتفاق می‌افتد که تیمهای فوتبال، مددکاران اجتماعی - متخصص پیشگیری - را استخدام کنند، برای این که تیم و باشگاه را در جهت جلوگیری از بروز خشونت طرفداران خود راهنمایی کنند. درخصوص اقداماتی که مقامات دولتی برای جلوگیری از خشونت در ورزش اتخاذ کرده‌اند، ابتدا باید به مجازات یا سرکوبی معمول در حقوق جزا اشاره کنیم. بنابراین در اینجا همان روش معمول و متعارف که مداخله پلیس و دستگاه قضایی است، مطرح می‌شود، در این چارچوب رویه قضایی دادگاههای کیفری، آرای چندی در جهت محکوم کردن مباشران این قبیل خشونتها صادر کرده‌اند، حتی برای به اصطلاح جلوگیری یا سرکوب خشونتهای ورزشی، وقتی مسابقات بین‌المللی در جریان است، بین دولتهای متبوع نوعی همکاری مقطعی پلیسی و قضایی ایجاد می‌شود. بدیهی است این همکاری پلیسی برای شناسایی متخلفان و رهبران و مهره‌های اصلی خشونت ضروری است. اما دولتها در چارچوب سیاست خود برای پیشگیری از خشونتهای ورزشی ممکن است یک سلسله اقدامات پیشگیرانه را نیز اتخاذ بکنند.

در بین کشورهای اروپایی، دولت بلژیک روی هم‌رفته، مطالعات و اقدامات مؤثری برای پیشگیری از خشونتهای ورزشی در مسابقات ورزشی انجام داده است. علتش هم این است که واقعه دلخراش ورزشگاه (Heysel)

که در سال ۱۹۸۵ موجب تلفات زیادی میان هواداران دو تیم شد، دولت بلژیک را واداشت تا از آن تاریخ، برای پیشگیری از خشونت در ورزشگاهها، در جهات مختلف دست به اقدام بزند. حتی انجمنهای شهر و شهرداری‌ها با استخدام مربیان و مددکاران و متخصصان پیشگیری و اعزام آنها به محل زندگی هواداران ورزشها و تیمهای فوتبال سعی می‌کنند که از خشونت آنها جلوگیری کنند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که پیشگیری از خشونت و خشونت هواداران ورزش نیز خود به یک قلمرو جدید مطالعاتی و پژوهشی در جرم‌شناسی و سیاست جنایی تبدیل شده است.

خشونت هواداران ورزش پدیده‌ای نو است و تقریباً مصادف با آغاز بحران اقتصادی و بیکاری در اروپا، یعنی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۲، می‌شود که اولین مرحله از فرایند افزایش قیمت نفت بود (شوگ - تکانه - نفتی). سؤال این است که آیا خشونت هواداران ورزش مرتبط با بحران اقتصادی و بیکاری نیست؟ آیا این دو پدیده در پیدایش خشونت در ورزش نقش نداشته‌اند؟ اگر اینطور باشد، راحت‌ترین راه‌حل این است که با پدیده بیکاری مبارزه شود و اشتغال مورد توجه قرار بگیرد. اما به این تحلیل زیاد اعتقاد ندارم. معتقدم که خشونت توده‌ای و جمعی هواداران ورزش در واقع نوع جدیدی از جنگهایی است که اروپاییان در نیمه نخست سده بیستم در قالب جنگ اول و دوم جهانی با خود کردند، یعنی این پدیده خشونت در ورزش به صورت توده‌ای جای خشونت‌های معمول جنگهای اول و دوم جهانی را در اروپا گرفته است، چون انسانها همیشه غریزه زد و خورد با هم و پرخاشگری و خشونت را دارند، لیکن حالا به این شکل درآمده است.

بنابراین با توضیحاتی که دادم روشن شد که پدیده خشونت هواداران در ورزش واقعاً به یک پدیده نگران‌کننده برای مقامات مسؤول کشورهای غربی تبدیل شده است. امیدوارم که چنین اتفاقی برای بحث گفتار دوم صادق نباشد، یعنی خشونت ارتكابی بین خود ورزشکاران و خشونتی که خود ورزشکاران علیه یکدیگر مرتکب می‌شوند.

گفتار دوم

خشونت ورزشکاران

در گفتار دوم نیز ابتدا سعی می‌کنیم با ارایه آمار، پدیده خشونت بین ورزشکاران را تبیین کنیم، سپس ماهیت این نوع خشونت را بشناسیم و سرانجام چرایی و علت آن، یعنی علل خشونت بین ورزشکاران، را بررسی کنیم.

ابتدا باید از نظر آماری ببینیم که حجم این خشونت‌ها چه اندازه است؟ خود ورزش، جرم و خشونت ایجاد می‌کند، ولی خوشبختانه میزان مقدارش کم است، خوشبختانه همه ورزشها مبتلا و آلوده به خشونت نیستند، مثلاً در کوهنوردی یا تنیس معمولاً خشونت بین بازیکنان مطرح نیست. خشونت بین ورزشکارها بیشتر در ورزشهای جمعی، تیمی و گروهی مطرح است، مثل فوتبال، راگبی، بسکتبال، هندبال که ورزشکاران و بازیکنان با هم تماس جسمانی دارند. حالا باید ببینیم که مثلاً فوتبال به‌عنوان یک ورزش جمعی منبع خشونت است؟

در اینجا باید اشاره کنم که از نظر آماری موارد ثقلب در فوتبال خیلی بیشتر از خشونت است. کمیته‌های انضباطی خاصی تأسیس شده‌اند برای این که موارد ثقلب و «ساخت و پاخت‌ها» را شناسایی و تعقیب بکنند. اما با این وجود خشونت هم وجود دارد. خیلی از مسابقات است که به لحاظ خشونت بین ورزشکاران به پایان نمی‌رسد و بازی ناتمام می‌ماند. این پدیده البته همیشه در بین ورزشکاران وجود داشته و حالا به اصطلاح بیشتر شده است. البته در بین فوتبالیستهای «خیلی سطح بالا» خشونت کمتر اتفاق می‌افتد، بیشتر فوتبال آماتور (ذوقی) مبتلا به خشونت است، تا فوتبال حرفه‌ای؛ اما در عین حال براساس آمار، می‌توانیم بگوییم، خشونت در بین بازیکنان فوتبال، روبه فزونی است. آماری که من در اختیار دارم قدیمی است، اکنون شاید دیگر درست نباشد که آنها را نقل کنم. حتی من سعی کردم قبل از آمدن به ایران، آمار جدیدی از فدراسیونهای فوتبال و راگبی بگیرم. ولی معمولاً آنها اکراه دارند که این آمارها را ارایه بدهند و افشا کنند. زیرا اصولاً نسبت به پژوهشگران با تردید برخورد می‌کنند. اینک اعمال خشونت‌بار را طبقه‌بندی می‌کنیم. در دانشکده ورزش دانشگاه مارسی ۳، عده‌ای از پژوهشگران در این مورد تحقیق کردند. در این دانشکده پایان‌نامه‌های چندی در سطح دکترا، کارشناسی ارشد راجع به خشونت و انواع خشونت بین ورزشکاران و بازیکنان تهیه و دفاع شده است. نتیجه این مطالعات را عمدتاً در این جمله می‌توان خلاصه کرد که ورزشکاران بین خودشان به خشونت متوسل می‌شوند، چون خشونت جواب می‌دهد و به نظر آنها کارایی دارد و مفید و مؤثر واقع می‌شود (طبیعتاً برای کسب نتیجه خوب). خیلی کم اتفاق می‌افتد که ورزشکار برای مسائل

عاطفی - شخصی علیه دیگری مرتکب خشونت شود. مثلاً در فوتبال، وقتی بازیکن برای زدن گل حمله می‌کند، طبیعی است که مدافع تیم رقیب سعی کند او را به نوعی با خشونت متوقف نماید. این ارتکاب خشونت بیشتر به خاطر این است که گل نزند، نه این که نسبت به او قصد خاصی دارد. بنابراین خشونت در ورزش بین ورزشکاران یک کارکرد ویژه یعنی سودمند دارد، لذا عاطفی و هیجانی نیست.

حال می‌رسیم به بحث تبیین خشونت بین ورزشکاران. خوشبختانه در کبک که ایالتی است در کانادا، راجع به این موضوع یک تحقیق میدانی در ورزش هاکی روی یخ انجام گرفته است. هاکی، یک ورزش گروهی است و تماس فیزیکی بازیکنان با هم زیاد است، نتایجی که از این تحقیق به‌دست آمده است به راحتی قابل تسری به ورزشهای گروهی و جمعی دیگر است. نویسنده یا محقق به این نتیجه رسیده است که خشونت در ورزش هاکی روی یخ، به صورت یک خرده فرهنگ وجود ندارد و منشأ آن یک خرده فرهنگ نیست. همچنین این خشونت ریشه در خصوصیات شخصی مباشر آن ندارد، پژوهشگر یعنی آقای پوپار، این خشونت را در بحثی که مطالعه کرده است به جمع دو دسته از عوامل نسبت می‌دهد: عامل اول، این است که مباشر اعتقاد به کارایی و تأثیر خشونت دارد، یعنی فایده‌ای که خشونت ارتكابی در بازیهای جمعی و ورزشهای جمعی و گروهی ممکن است داشته باشد. مریبان معمولاً ورزشکاران فنی و ورزشکاران فیزیکی و قوی بدنی و مقاوم را از هم تفکیک می‌کنند. در فوتبال، یک عده اصطلاحاً «فنی کار» می‌کنند، یک عده به‌لحاظ جسمانی قوی‌اند. مثلاً در تیم فوتبال فرانسه عمدتاً بازیکنان از لحاظ فیزیکی و

جسمانی قوی‌اند، بازیکن فنی در آن تیم کمتر است. بدین ترتیب فنی بودن در اولویت دوم قرار داده شده است، پس برای مربی بازیکنانی خوبند که به راحتی بتوانند خشن شوند، یا به خشونت متوسل شوند و از لحاظ فیزیکی قوی باشند تا از نظر تکنیکی. عامل دیگری که آقای پوپار در این تحقیق به آن رسیده است، اهمیتی است که پول و مسائل مالی در مسابقات ورزشی دارد (مسائل مالی و ملاحظات پولی). بدیهی است که در ورزشهای آماتور و ذوقی مسائل مالی مطرح نیست، بیشتر مسائل ممکن است به اصطلاح دارای حساسیت و تعصب ملی و داخلی و محلی باشد. در ورزش‌های حرفه‌ای طبیعتاً مسائل مالی و پولی نقش عمده را ایفاء می‌کند.

این نتیجه مختصر تحقیقاتی بود که آقای پوپار در یک درخصوص خشونت در ورزش هاکی روی یخ انجام داده بود.

البته بدیهی است که مقامات ورزشی درخصوص این قبیل خشونت‌ها امکان اعمال واکنش را دارند و به اصطلاح تدابیری را اتخاذ کرده‌اند که قسمت دوم از گفتار دوم ما را تشکیل می‌دهد.

اولین کاری که مقامهای ورزشی و فدراسیونها انجام دادند، ضمن برگزاری سمینارها و گردهمایی‌های علمی و استفاده از دانشگاهیان، به تدوین و وضع مقررات پرداختند این که یا مقررات را به مناسبت اصلاح و عوض کردند یا روزآمد نمودند (مثلاً آیین‌نامه‌های ورزشی را عوض و جابجا کردند، مثلاً کارت زرد و قرمز پدیده‌ای است که از بیست سال پیش در فوتبال ایجاد شده است).

درخصوص واکنش علیه خشونت بین بازیکنان در ورزش و برای جلوگیری از خشونت بین ورزشکاران واکنش‌ها از نوع اخیر می‌تواند مؤثر

باشد، اما در خصوص مهار کردن خشونت هواداران می‌توانیم بگوییم کار خیلی مشکل‌تر است. در خصوص خشونت ارتكابی بین ورزشکاران باید به تدابیر شدیدی متوسل شد که پیامد آن، یعنی مجازات انضباطی، خیلی شدیدتر از ارتكاب خشونت برای بازیکن باشد، به طوری که انصراف‌آور و بازدارنده باشد. به عنوان کارشناس معتقدم که هیچ اشکالی ندارد که در ورزش موارد اخراج بازیکنان خطا کار را زیاد کنیم برای این که کارت قرمز جنبه بازدارندگی و انصراف‌آور خود را نسبت به بقیه ایفا کند، و بدین ترتیب کارت قرمز و اخراج نوعی تنبیه و خشونت مشروع است که به فرد مرتکب عمل خشونت باری باز می‌گردد، یعنی بازیکن نتیجه خشونت خود را بلافاصله می‌بیند. اخراج از بازی می‌تواند برای ورزشکاران آماتور و ذوقی جنبه آموزشی داشته باشد، البته در ورزش فوتبال آماتور، مثلاً اخراج یک بازیکن سرشناس، خیلی مشکل است و حال آن که در فوتبال حرفه‌ای چنین چیزی امکان دارد.

نتیجه‌گیری

در پایان باید بر یک اندیشه اساسی تأکید ورزیم. پدیده خشونت ورزشکاران در میدان بازی و پدیده خشونت هواداران نسبت به یکدیگر در ورزشگاه یا خارج از مجموعه ورزشی بسیار متفاوتند. اولی، یک مسأله کوچک برای جامعه است که مقامهای ورزشی خود می‌توانند - در صورتی که واقعاً بخواهند - با آن به‌طور مؤثر مبارزه کنند؛ دومی - برعکس - ریشه‌های خود را در ساختار اجتماعی می‌یابد و معضل بزرگی را تشکیل

می‌دهد. زیرا جنبه‌ای از یک پدیده عمومی به نام «خشونت» در جامعه است و به این جهت سرکوب آن و مبارزه علیه آن بسیار مشکل به نظر می‌آید.^۳



۳. برای اطلاعات بیشتر در مورد خشونت در ورزش فوتبال رک. جان ویلیامز، اریک دانینگ و پاتریک مورفی، کند و کاوی در پدیده اوباشگیری در فوتبال، ترجمه حسن افشار، نشر مرکز، ۱۳۷۹ م.



پروفیسر شکیل احمد
پرنسپل جامعہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ